



Non-identity Dialogism in “*Seven Tales of the Road collection*” of Akbar Radi

Mahmoud Ranjbar^{1*} | Sepideh Khoshbinfar² | Ali Safayi Sangari³

1. Corresponding Author, Associate Professor of Persian Language and Literature, Literature and Humanities, University of Guilan, Rasht, Iran. Email: mamranjbar@gmail.com
2. Graduate of Persian language and literature, University of Guilan, Rasht, Iran. Email: Sepideh. Khoshbinfar@gmail.com
3. Professor of Persian Language and Literature, Literature and Humanities, University of Guilan, Rasht, Iran. safayi.ali@gmail.com

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:
Received: 2018/6/11
Received in revised form: 2021/3/20
Accepted: 2021/4/5

Keywords:

Mikhail Bakhtin
philosophical dialogism
non-identity dialogism
Seven Tales of the Road
Akbar Radi

ABSTRACT

"*Seven Tales of the Road collection*" (1349) written by Akbar Radi one of the social critical collections in the solar forty decades. The main characteristic of this work is on the realistic approach on the regional literatures. In this collection, Radi tries to express the quality of mutual socialism through the dialectic relations and involving peoples. According to Bakhtin views, the dialogism lies in the nature of any artwork. This paper presents a discussion atmosphere of the quality of human life in Akbar Radi story, insisting on analytical-documentary approach and incorporation of elements of "self" from Bakhtin's philosophy of dialogism and symbolic action theory of Herbert Blumer. Its reading in the form of non-identity dialogism represents different aspects of contemporary human fragmented, bases and different social classes (urban and rural) in social relations. Metamorphosis of interactive dialogue with the provision of polyphony among characters of "Seven Tales of the Road collection" of Akbar Radi is upon the philosophy of symbolic action formed by the technological and conceptual developments during the lifetime of the author.

Cite this article: Ranjbar, M. & Khoshbinfar, S. (2022). Non-identity Dialogism in “*Seven Tales of the Road collection*” of Akbar Radi. *Journal of Research in Narrative Literature*, 10(4), 85-106.



© The Author(s).

Publisher: Razi University

DOI: 10.22126/RP.2021.1901.1069



گفتمان غیرت‌ساز در «مجموعه هفت قصه جاده» اکبر رادی

محمود رنجبر^{*۱} | سپیده خوشبین فر^۲ | علی صفایی سنگری

۱. نویسنده مسئول، دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

رایانامه: mamranjbar@gmail.com

۲. دانش آموزخته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گیلان، رشت، ایران. رایانامه: Khoshbinfar@gmail.com. Sepideh.

۳. استاد زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه گیلان، رشت، ایران

safayi.ali@gmail.com

اطلاعات مقاله چکیده

نوع مقاله:

«مجموعه هفت قصه جاده» (۱۳۴۹) نوشته اکبر رادی یکی از مجموعه‌های انتقادی-اجتماعی در دههٔ چهارم شمسی است. شاخصهٔ اصلی این اثر، رویکرد رئالیستی با تکیه بر ادبیات اقلیمی است. رادی در این مجموعه با نشان دادن مناسبات اجتماعی، رفتاری و الگوهای عینی، کیفیت متقابل اجتماعی بر مبنای گفت‌وگو در جامعهٔ روستایی را بازتاب می‌دهد. مطابق دیدگاه باختین گفت‌وگومداری در ذات هر اثر هنری نهفته است. در این مقاله فضای گفت‌وگویی حاکم بر کیفیت زندگی انسان در مجموعه داستان اکبر رادی با روش تحلیلی-اسنادی و بر مبنای تلفیق عنصر «خود» از نظریهٔ منطق گفت‌وگویی باختین و کنش متقابل نمادین هربرت بلومر بررسی شده است. خوانش اثر در قالب گفتمان غیرت‌ساز بیانگر نشانه‌های متفاوت از وجوه چند پارهٔ انسان معاصر، پایگاه‌ها و طبقه‌های مختلف اجتماعی (شهری و روستایی) در روابط اجتماعی است. صبرورت گفت‌وگوی تعاملی با تمهید چندگونگی صدا بین شخصیت‌های مجموعهٔ داستانی هفت قصهٔ «جاده» اکبر رادی، بر پایهٔ منطق کنش‌های نمادینی، شکل گرفته است که تابع تحولات تکنیکی و اندیشگانی و دورهٔ حیات نویسنده بوده است.

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۳/۲۱

تاریخ بازنگری: ۱۳۹۹/۱۲/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱/۲۶

واژه‌های کلیدی:

میخائیل باختین
منطق گفت‌وگویی
گفتمان غیرت‌ساز
مجموعه هفت قصه (جاده)
اکبر رادی

استناد: رنجبر، محمود و خوشبین فر، سپیده (۱۴۰۰). گفتمان غیرت‌ساز در «مجموعه هفت قصه جاده» اکبر رادی. پژوهشنامه ادبیات

داستانی، ۱۰(۴)، ۸۵-۱۰۶.

ناشر: دانشگاه رازی



حق مؤلف © نویسندگان.

DOI: 10.22126/RP.2021.1901.1069

۱. پیشگفتار

«دیالوگسم»، «منطق مکالمه» یا «منطق گفت‌وگویی» باختین گرایش به سمت تعامل میان زبان‌های مختلف سخنگو و زبان‌های شنونده است و به همین دلیل سخن‌ها در مرز میان خود و زمینه دیگری و بیگانه زندگی می‌کند. اهمیت آرای باختین در ادامه تاریخی جنبش فرمالیستی است. وی با طرح دگر مفهومی، نفی اقتدار، مکالمه‌گرایی چندصدایی و چندآوایی بر وجه اجتماعی زبان تأکید کرد. مکالمه برای باختین مفهومی کلیدی و بنیادین بود که در سراسر آراء و دیدگاه‌های وی پراکنده است (گاردینر، ۱۳۸۱: ۷۹-۹۳). او در ساحت اقتدار و تحکّم حاکمیت، به دنبال هویت مغفول مانده‌ای بود که در سایه بزرگ جلوه‌دادن خود فراموش شده محقّق می‌شد. درواقع درک بنیادین باختین از جامعه شوروی منجر به مطالبه مفهومی شد که به گمان او بنیان همزیستی اجتماعی به‌شمار می‌رفت. «او منطق مکالمه را بنیان سخن معرفی کرد و اعتقاد داشت، همان‌گونه که اساس گفتار، کاربرد شخصی زبان به منظور ایجاد مکالمه است، هر شکل بیان ادبی نیز گونه‌ای سخن ادبی به منظور گفت‌وگوست» (احمدی، ۱۳۷۸: ۹۸-۱۰۳). باختین در تقابل با دو جریان زبانشناسی ساختارگرای سوسوری و طرح‌های زبانی و هنری کسانی چون واسلر، هومبولت و اسپیتزر قرار داشت. او این دو جریان را در فهم واقعیت‌های کلامی ناتوان می‌دید (ن.ک؛ تودوروف، ۱۳۷۷: ۸). بنابراین برای برون‌رفت از این تنگنا، به گفتار انسانی^۱ به‌عنوان عمل متقابل لانگ و زمینه گفتار روی آورد (ن.ک؛ همان، ۱۳۷۳: ۴۹). هویت بخشی به تعاملات انسانی با پذیرش دیگری به‌عنوان اندیشه‌ای مستقل از خود شکل گرفت. در این راه اندیشمندان روانشناسی و جامعه‌شناسی نیز به بررسی وجوه هویت‌مند انسان در خویش و جامعه توجه نشان دادند. «کنش متقابل نمادین» ازجمله آرای است که بر پویایی کنش متقابل اجتماعی بین فرد با خویش و فرد با جامعه و نتایج این فرآیند تأکید دارد. توجه به خود در مناسبات اجتماعی و قابلیت فرد برای به‌تصور درآوردن خویش در نقش‌های دیگر اجتماعی و پذیرش دیگران در گفت‌وگوی با خود در نظریه کنش متقابل نمادین اهمیت دارد.

۱-۱. بیان مسأله

اکبر رادی ازجمله نمایشنامه‌نویسانی است که کار خود را با داستان شروع کرده است. تقابل‌های

۱ Utterance

۲ Other

گفت‌وگوی نمایشی در داستان‌های وی با ذهنیتی نمایشی به چند صدایی نزدیک است. تحلیل وضعیت کنش متقابل در داستان‌های اکبر رادی، علاوه بر شناخت ظرفیت‌های داستان‌نویسی ایران بیانگر وجوه گفتمان اجتماعی در دهه چهل و تقابل سطوح زمینه‌های اجتماعی است.

۲-۱. ضرورت، اهمیت و هدف

مجموعه هفت قصه (جاده) اکبر رادی از نمونه آثار انتقادی- اجتماعی در حوزه ادبیات معاصر است. در این داستان‌ها نویسنده وضعیت روستاها و تقابل آن با شهر و ارباب را به شیوه‌ای واقع‌گرایانه کاوش می‌کند. در مجموعه داستان‌های جاده، جنبه‌ای اقلیم‌گرایانه وجود دارد. این فضا به نویسنده کمک می‌کند تا روابط دراماتیک شخصیت‌ها به‌خوبی شکل بگیرد و در خلال داستان‌ها به درون زندگی و روحیه شخصیت‌های شهری نیز نفوذ کند. رادی در کنار روایت حرکت اجتماعی و مناسبات نمادین مردم روستا را به تصویر می‌کشد.

در این مقاله تلاش داریم تا با روش تحلیلی قابلیت‌های کمتر شناخته‌شده داستان‌نویسی وی را از طریق بازتاب مفهوم کنش بلومری و دیگری (دیگر بودگی) به‌عنوان پیکره اصلی اندیشه باختین معرفی نماییم. مجموعه داستان جاده به‌ویژه دو داستان کوتاه جاده و باران به دلیل انعکاس زیست روزمره انسان، مناسبات و روابط اجتماعی جامعه روستایی و ارباب- رعیتی موادی مناسب برای بررسی داده‌های مشترک در تلفیق دو نظریه است.

روش پژوهش این مقاله تحلیلی- اسنادی است و واحد تحلیل دو داستان «جاده» و «باران» از مجموعه هفت داستان کوتاه از اکبر رادی شامل: جاده (۱۳۳۹)، باران (۱۳۳۸)، مه (۱۳۳۷)، مرثیه، فانوس (۱۳۴۱)، تاووس (۱۳۴۳) می‌باشد.

براساس آثار منتشره از اکبر رادی و تحلیل‌های صورت گرفته، بیشتر پژوهشگران او را یک نمایشنامه‌نویس می‌شناسند، رادی کار نگارش را با قصه‌نویسی آغاز کرد، سپس به نمایشنامه و مقاله‌نویسی روی آورد. تا آنجا که بررسی شد، مجموعه داستان‌های اکبر رادی تاکنون با شیوه ترکیبی نظریه «منطق مکالمه» میخائیل باختین و «کنش متقابل» بلومر بررسی و تحلیل نشده است. برخی پژوهشگران به بررسی آثار داستانی نمایشنامه‌های وی پرداخته‌اند و به قابلیت‌های زبانی و ادبی آثار و تغییرات ایجادشده در دوره‌های مختلف حیات داستانی و نمایشی او اشاره داشته‌اند. ازجمله مهم‌ترین این پژوهش‌ها، مقاله «داستان بومی در اقلیم سبز شمال» از ابراهیم خدادوست (۱۳۸۰) است.

صدیقی (۱۳۸۰)، در مقاله «مروری بر ادبیات اقلیمی گیلان» (سال‌های چهل و موج ادبیات اقلیمی) و سید مصطفی مختاباد و آتوسا قلیش‌لی در مقاله «کاوشی در سرچشمه‌های درام روستایی ایران» (تأثیرپذیری اکبر رادی از نمایشنامه دایی وانیای چخوف) (۱۳۹۰)، با نگرشی به نویسندگان اقلیمی و سابقه نویسندگی آن‌ها به اکبر رادی به عنوان نویسنده‌ای اقلیم‌گرا اشاره کرده‌اند. حوزه نظری گفتمان غیرت‌ساز راهبردی سیاسی اجتماعی است و با نظریه لاکلاو و موفه در حوزه تحلیل گفتمان گره خورده است؛ بنابراین بسیاری از پژوهش‌ها با موضوع غیرت‌ساز در حول محور پژوهش‌های علوم سیاسی نگاشته شده‌است مانند: مقاله استراتژی‌های غیرت‌ساز با آمریکا در گفتمان‌های سیاست خارجی ایران بعد از انقلاب اسلامی، نوشته رضا سلیمانی (۱۳۹۴)، و غیرت‌سازی در گفتمان سیاست خارجی محمدرضا پهلوی؛ نوشته هما اسدی و فرهاد ساسانی (۱۳۹۶). موضوع دیگری در حوزه معرفت‌شناختی ادبی نیز با پژوهش‌هایی نظیر: نموده‌های مفهوم «دیگری» در اشعار فروغ فرخزاد نوشته فرزاد بالو و سیده مائده واقعه دشتی (۱۳۹۶)، همچنین دیگری در اندیشه و آثار ناصر خسرو نوشته فرزاد بالو (۱۳۹۶)، نمود یافته است. این پژوهشگر با تبارشناسی مفهوم معرفت‌شناختی دیگری در آثار هوسرل، هایدگر، سارتر و لویناس رگه‌های فلسفی، معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی آن را در آثار ناصر خسرو نشان داد.

۳-۱. معرفی نویسنده

ادبیات داستانی ایران، زمانی پا به عرصه وجود نهاد که ادبیات سیاسی ایران در یک دوره آشفتگی و حیرت به سر می‌برد. درواقع «آنچه در ایران در دوره تاریخی (۱۳۳۲-۱۳۳۰ه.ش) رخ داد، شبه دموکراسی بود که بعد از فروپاشی رضاشاهی شکل گرفت» (رهبری، ۱۳۷۹: ۱۶۲) برخلاف آنچه گفته می‌شد، تضادهای طبقاتی بیشتر و بیشتر نمودار شده بود. سال‌های جوانی اکبر رادی (متولد ۱۳۱۸ رشت) نمایشنامه‌نویس و داستان‌نویس معاصر ایرانی با رویدادهای مهمی چون کودتا برضد مصدق (۱۳۳۲) و اصلاحات ارضی (۱۳۴۱) مصادف بوده است که منجر به پیدایش فصل جدیدی در ساختار اجتماعی ایران شد. رادی پیش از نگارش نمایشنامه به داستان‌نویسی روی آورد. درواقع مجموعه هفت قصه «جاده» (۱۳۴۹) دروازه ورود اکبر رادی به صحنه ادبیات است. رادی نخستین داستان‌ش را به نام «باران» در سال (۱۳۳۸) هم‌زمان با دریافت دیپلم متوسطه‌اش به چاپ رساند و جایزه داستان‌نویسی مجله اطلاعات جوان را از آن خود کرد. از او بیش از ۲۵ عنوان کتاب داستان کوتاه و

نمایشنامه‌هایی به چاپ رسیده است. مجموعه هفت قصه «جاده» در ردیف اولین آثار داستانی کلاسیک رادی است. وی در آستانه دهه چهل به حیطه ادبی دیگری - نمایشنامه‌نویسی - گام نهاد و با چاپ آثار متعدد راه کمال را پیمود و یکی از مطرح‌ترین نمایشنامه‌نویسان ایران شد (ن.ک، طالبی، ۱۳۸۲: ۱۸۷).

۲. مبانی نظری

نگرش بینا رشته‌ای میخائیل میخائیلویچ باختین^۱ (۱۸۹۵-۱۹۷۵) برای یافتن نقاط مشترک و افتراق درون‌سازه‌ای علوم انسانی و علوم طبیعی بر وجه تحول‌آفرینی این دو علم تأکید دارد. وی در «اعتراض به تک‌آوایی رژیم حاکم بر شوروی که هر نوع تفکر و آوای مخالف را به شدت سرکوب می‌کردند، به گفت‌وگو روی آورد و با طرح الگوی منطق گفت‌وگویی و پیوند میان زبان و ایدئولوژی، ادبیات را بلافاصله به عرصه اجتماعی و اقتصادی؛ یعنی قلمرو ایدئولوژی وارد کرد» (غلامحسین زاده و غلام‌پور، ۱۳۸۷: ۲۴). باختین زبان را عنصری تک‌ساحتی و یک‌سویه نمی‌داند، از نظر او زبان ذاتاً پدیده‌ای «گفت و شنودی» به شمار می‌رود. بنابراین صرفاً بر حسب جهت‌گیری ناگزیر آن به سوی دیگری، درک می‌شود. موجودیت انسان و جهان آدمی، تنها در «ارتباط ژرف» معنا می‌یابد. از این رو دل‌مشغولی باختین، صدای «غیر» و «دیگری» است (پژوهنده، ۱۳۸۴: ۲۳).

از دیدگاه باختین «اجتماع با حضور شخص دوم آغاز می‌شود» (تودوروف، ۱۳۷۷: ۶۷) و مکالمه با دیگری در اندیشه باختین مفهوم خود را از چندآوایی^۲ اخذ کرده است. بنابراین مؤلف نه تنها تعیین‌کننده سرنوشت داستان نیست، بلکه صدای مؤلف یکی از صداهایی است که در متن شنیده می‌شود.

تأکید بر پویایی کنش متقابل اجتماعی تنها به تعامل فرد با اجتماع از طریق زبان منحصر نمی‌شد، برابر آنچه باختین در بازتاب دیگری در زبان مطرح کرده بود، رویکردی وجود شناختی^۳ در جامعه‌شناسی شکل گرفته بود که به پدیدارشناختی رفتارهای اجتماعی توجه داشت. آنان با تلفیق سه

۱ Mikhail Mikhailovich Bakhtin

۲ Polyphony

۳ onto logic

رویکرد روان‌شناختی شکل‌گرایی^۱، رفتارگرایی^۲ و عمل‌گرایی^۳ به تأثیر و تأثر متقابل کنش‌های فردی و اجتماعی در مناسبات و کنش‌های یکدیگر پرداختند.

جرج هربرت مید (۱۸۶۳-۱۹۳۱) مبانی نظری کنش متقابل نمادین را طرح می‌کند. پس از وی شاگردش هربرت بلومر این نظریه را بسط می‌دهد و عناصر درونی و روانی انسان را در قالب رفتار تحلیل می‌کند. وی آرای مید در مکتب «کنش متقابل اجتماعی» را به «کنش‌گرایی متقابل نمادی» ارتقاء داد و براین اساس دیدگاه تازه‌ای در جامعه‌شناسی ارائه گردید» (توسلی، ۱۳۷۰: ۲۶۷-۲۶۸). از نظر هربرت بلومر «کنش متقابل، فراگردی است که از طریق آن، هم توانایی اندیشیدن پرورش می‌یابد و هم متجلی می‌گردد» (ریترز، ۱۳۷۹: ۲۸۳).

نظریه کنش متقابل نمادین مانند منطق گفت‌وگویی باختین به نقش‌های دیگر اجتماعی و پذیرش دیگران در گفت‌وگوی با خود تأکید می‌کند. بنابراین همچنان که در منطق گفت‌وگویی «آگاهی نسبت به مفهوم دیگر بودن (غیریت)، لازمه برقراری مکالمه است» (شمیسا، ۱۳۸۸: ۴۶۰)، در کنش متقابل نیز انسان موضوع کنش خود می‌شود. انسان نسبت به خود کنش نشان می‌دهد و در کنش نسبت به دیگران بر پایه همان تصویری که از خودش دارد، خویشتن را هدایت می‌کند. در قصه جاده، رادی درباره دو مرد روستایی سخن می‌گوید که یکی از آنان وقتی متوجه می‌شود فرزند دیگری برای کار به شهر رفته‌است، بنابراین بر پایه تصویری که از چنین شرایطی برای خود و فرزندش دارد به تبع (این‌همانی)^۴ واکنش نشان می‌دهد:

«نبی با صدای اندوهگینی گفت: آره خب زندگیه دیگه، عوضش خلاص شد. اونجا آتیه‌اش خوبه، می‌دونی؟ ما اینجا دس و بال‌مون بسته‌س..» (رادی، ۱۳۴۹: ۹)

خود یک‌چیز نیست، بلکه یک فراگردست، خود به انسان‌ها کمک می‌کند تا به جای واکنش صرف، در برابر محرک‌های خارجی به کنش دست بزنند» (ریترز، ۱۳۷۹: ۲۸۸).

نبی در مواجهه با رفتن فرزند نازعلی به شهر زمینه را برای انجام معامله با نبی و خرید گاوش آماده

۱ formalism

۲ behaviorism

۳ pragmatism

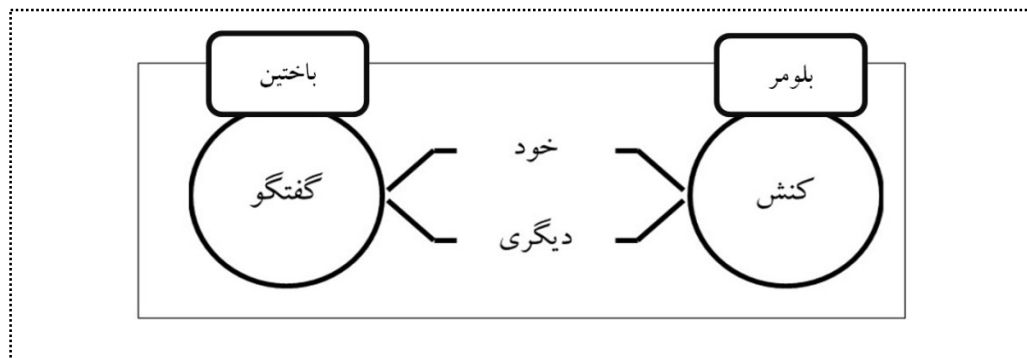
۴ otherness

۵ identify

می‌یابد:

«خب... سالی، ماهی یه دفه گاومون می‌خواد شکمش بالا بیاد» و پیش خودش فکر کرد؛ یعنی گاو به زاییده؟ و دیگر حرفی نشد» (همان: ۱۰).

از این منظر انسان در پذیرش دیگری بر پایه تصوّر از خود به گفت‌وگو می‌رسد، همچنین به کنش اقدام می‌کند.



۲-۱. نگاهی به آرای باختین

باختین با تأکید بر جنبه مادی و ایدئولوژیک زبان، بحث بوطیقای جامعه‌شناختی، چندصدایی و بین‌الذهانی یا بینامتنی را وارد عرصه نظریه و نقد ادبی کرد. وی معتقد بود: «درواقع نویسنده واژگان خود را از یک فرهنگ بر نمی‌گزیند؛ بلکه آن‌ها را از زمینه‌ای واقعی که واژگان را پرورده و از ارزش‌گذاری‌ها سرشار شده‌اند، انتخاب می‌کند» (باختین، ۱۳۷۳: ۱۱۵). از نظر باختین سوئیّه وجودی انسان با حضور «دیگری»^۱ شکل می‌گیرد. حضور دیگری «در وهله نخست بر مفهوم گفت‌وگو (دیالوگ) و زبان گفت‌وگو متمرکز است. دیالوگ اساس زبان است؛ ولی همواره امکان تبدیل آن به مونولوگ (تک‌صدایی) اقتدارگرایی وجود دارد. دیالوگ به روی تفکر و آزادی گشوده است، در حالی که مونولوگ واجد خصلتی استبدادی و سرکوب‌گرانه است» (ن.ک: مناهجی، بی‌تا). «وی آشکارا با تمام گفتمان‌های کاملاً شعری، تک‌گویی و خودکامه که حضور «دیگری» را بر نمی‌تابد، مخالف بود» (نامور مطلق، ۱۳۸۷: ۴۰۱).

۲-۲. مؤلفه‌های منطق گفت‌وگویی

پیکره مجموعه مفاهیمی که باختین در منطق گفت و گویی طرح می کند متعدد است. این پیکره برگرفته از سنتی شادی بخش و هر ساله به نام کارناوال است. باختین معتقد است در کارناوال نوعی از روابط انسانی مبتنی بر وجه معرفت شناختی پدید می آید که ظرفیت های استواری و ماندگاری یک جامعه را بالا می برد تا در نهایت به انسجام برسد. مهم ترین مؤلفه های منطق گفت و گویی که با فرایند کنش متقابل نمادین بلومر تلفیق شده است، عبارت اند از:

۲-۳. دیگر بودگی

دیگر بودگی (غیریت) در اندیشه باختین به منزله نگرش به خویشتن از منظر دیگران است. به گونه ای که ما باید از چشم دیگران در ارتباط با دیگران به شمار آورده شویم و هرگز نمی توانیم بیرون از خود قرار بگیریم و خود را به طور کامل مشاهده کنیم (باختین، ۱۳۷۳: ۱۸۳).

۲-۴. تقابل های دوگانه

برای ایجاد مفاهمه در منطق دیالکتیکی باختین، تقابل های دوگانه به شکل «متضاد انحصاری» در برابر یکدیگر قرار می گیرند. تقابل های دوگانه با «توصیف و فهم» نشان داده می شود (رنجبر، ۱۳۹۵: ۲۱۰). در داستان جاده تقابل دو همراه از هم بیگانه یعنی نازعلی و نبی است. نبی برای گریز از ورشکستگی سعی دارد با تطمیع و دعوت کردن از نازعلی به شام او را نمک گیر کند و سرانجام او را به پای معامله گوساله ای بکشاند که قرار است به زودی گاوش بزاید. رادی با توصیف خشکسالی تابستان روستا و نبود فرزند نازعلی زمینه متضاد انحصاری را در کنش های متقابل دو شخصیت پدید می آورد.

در دو داستان جاده و باران، توصیف در کنش اجتماعی شخصیت های محوری پدیدار می شود. یک شخصیت با عمل خود شخص دیگر را از وضعیت موجود آگاه می کند و این دو مفهوم (توصیف و فهم) در تقابل دوگانی به هم پیوند می خورند که در نتیجه «کنش متقابل» بلومری اتفاق می افتد و موجب بروز فرایندی تعاملی و مفاهمه ای میان فرد و جامعه (روستا) می شود (ن.ک. مکاریک، ۱۳۹۰: ۹۸).

۲-۵. چندآوایی

تنوع چندآوایی^۲ داستان برای رسیدن به مفهومی از خویشتن شخصیت ها و حتی راوی است (رنجبر،

^۱ Otherness

^۲ polyphony

۱۳۹۵: ۲۲۲). در دو داستان جاده و باران، رادی تلاش کرده است تا چندآوایی را از طریق خلق و شناسایی و تأمل در کنش فعالیت ماعینیت بخشد. از این منظر کنش‌های شخصیت‌ها تحت تأثیر راوی دانای کل قرار گرفته است و از آن می‌توان به‌عنوان نقض چندآوایی در داستان مطرح کرد؛ «زیرا ما هرگز نمی‌توانیم خود را به‌صورت یک کل ببینیم، وجود غیر برای آنکه ما حتی به‌طور موقت به مفهومی از خویشتن دست‌یابیم، ضروری است» (تودورف، ۱۳۷۷: ۱۸).

۲-۶. «خود» از دیدگاه بلومر

خود و هویت آن، ازجمله مسائلی است که در دیدگاه جامعه‌شناختی ذیل نظریه‌ای با عنوان «کنش متقابل نمادین» اصالت یافت. براساس این دیدگاه «کنش متقابل، فراگردی است که از طریق آن، توانایی اندیشیدن هم پرورش می‌یابد و هم متجلی می‌گردد» (ریتزر، ۱۳۷۹: ۲۸۳) از نظر آنان انسان‌ها نه‌تنها در زبان؛ بلکه در کنش‌ها هم در تأثیر و تأثر متقابل قرار دارند. تأثیرات کنش‌ها، پدیده‌هایی صرفاً دفعی و آنی نیستند؛ بلکه می‌تواند در طول زمان و حتی تاریخ بدل به گفتمان گردد. کنش‌ها ناشی از تفکر فرد و تعریف او از موقعیت خود و دیگری شکل می‌گیرد. از مجموعه هویت‌هایی که «من» شخصی و «دیگری» نام می‌گیرد، این دو هویت با پویایی و تعامل کنش متقابل را در جوامع پدید می‌آید. از این رو «مهم‌ترین ویژگی جوامع بشری، داشتن خودها و ذهن‌های اعضای آن است» (نتهایی، ۱۳۸۸: ۲۲۱).

۲-۷. خلاصه داستان «جاده»

داستان «جاده» ماجرای نازعلی و نبی دو همراه از هم‌بیگانه در جاده مال‌روی روستایی در کنار قهوه‌خانه ای در لشت‌نشاء گیلان است. نبی برای گریز از ورشکستگی با دعوت کردن از نازعلی به شام و نمک-گیر کردن او در فکر کشاندن نازعلی به پای معامله گوساله‌ای است که قرار است به زودی گاو او بزاید. درحالی که نازعلی به‌خاطر بی‌خبری از پسرش «گدا آقا» غرق در افکارش است، از ادعای نبی در قهوه-خانه و باغ (مزرعه) که وانمود کرده است گاوش توسط ورزای خالدار نازعلی باردار شده است، در بن بست عجیبی قرار می‌گیرد و به ناچار همه چیز را به زمانی موکول می‌کند که گوساله به دنیا بیاید. هرچند می‌داند که کلکی در کار است؛ زیرا نبی به‌خاطر خشکسالی تابستان، کم‌درآمد شده بود و وضعیت مالی خوبی نداشت. بنابراین انتظار زمستان سختی را در پیش رو داشت. نازعلی با تردید، همراه

نبی در جاده‌ای که خط ارتباطی حادثه است، جا می‌ماند. عاقبت پس از شنیدن به دنیا آمدن گوساله، خود را از افکار پریشانی که نبی با تطمیع و تهدید برای تصاحب گوساله طرح کرده بود، رها می‌کند و می‌گریزد.

۸-۲. خلاصه داستان باران

داستان «باران» فلاکت و تهیدستی زندگی مرد و زن روستایی-گل آقا و کوچک خانم- در دوره اصلاحات ارضی است. نگرانی از خشکسالی، غم‌های شالیکار را به یادش می‌آورد. با به یاد آوردن سخن ارباب روستا که به او گفته بود اول پاییز چهل قوطی برنج مولایی [درجه یک] بار اسب کند و به حجره‌اش ببرد، پریشان‌خاطر است. گدا علی، فرصت‌طلبی است که با پدید آمدن خشکسالی، سر درختی‌های گل آقا را پیش خرید می‌کند. گل آقا پول سر درختی‌ها را خرج کرده و آه در بساط ندارد، به‌خاطر این مسأله جدال «بیان نشدنی» در ذهن او ایجاد می‌شود. پسرش رمضان که او را به اجباری (سربازی) برده‌اند و گماشته منزل سرهنگی است، گل آقا را متوجه بدجنسی و بی‌حیایی گدا علی می‌کند. گدا علی پیش از این برای انتقام گرفتن از گل آقا، رمضان را به‌خاطر مشمول‌بودنش به سربازان لو داده بود و شبانه سربازها کومه (خانه گل آقا) را محاصره کرده بودند و رمضان را مثل نعش برده بودند. نگرانی و دلهره گل آقا هدر رفتن تمام تلاش و زحمتش بر روی شالیزار در اثر نباریدن باران تا دو روز دیگر است که چشمان پر از غصه او را متوجه آسمان و شالیزار خشک در زیر آفتاب تیز می‌نماید. سرانجام شب هنگام با غرّش رعد و روشنایی خیره‌کننده‌ای در پهنه شالیزار، نگاه گل آقا بی‌تاب می‌شود و گره از مشکلاتش باز می‌شود.

۹-۲. بازتاب غیریت در دو داستان «جاده» و «باران»

۱-۹-۲. اقتدار من، با انفعال دیگری

داستان «جاده» برشی از زندگی کشاورزان شمال کشور است که در فضایی کدر و بارانی توصیف می‌شود. رادی با ترسیم چنین فضایی کنش‌های فردی را درونی، منفعل و بیانگر تضاد طبقاتی موجود در جامعه روستایی برمی‌شمارد. این کدورت نمادین همساز با ماجرای است که در رابطه دو همراه ازهم‌بیگانه در حال محقق شدن است. این دو آشنا (ناز علی و نبی) در روابطی متناقض‌نما با یکدیگر بیگانه‌اند، تمایلی به شنیدن حرف‌های همدیگر ندارند، هر کدامشان سکوت را پوششی بر قصد فریبکاری دیگری می‌دانند. بنابراین تلاش برای ایجاد رابطه توسط آن دیگری گسسته می‌شود. ناز علی

می‌خواهد از اندوهش بگوید، از پسرش که برای کار به شهر رفته و مدت‌هاست از او خبری ندارد؛ اما نبی برای گریز از ورشکستگی، در فکر کشاندن ناز علی به پای معامله‌ای سودآور است، از این رو برای رسیدن عجله دارد؛ اما ناز علی روی جاده‌ای - که خط ارتباطی حادثه است و طرح داستان را مجموع می‌کند - جا می‌ماند. عاقبت نیز گریبان ذهن خود را می‌رهاند و می‌گریزد (طالبی، ۱۳۸۲: ۱۸۸).

در داستان «باران» نیز تضاد طبقاتی حاکم بر داستان «جاده» وجود دارد؛ اما کنش شخصیت اصلی داستان در برابر آن با حضوری دیگری (همسر گل آقا) معنا می‌یابد. کوچک خانم با دریافت کنش‌های نمادین همسرش آن‌ها را «درک»، «انتخاب» و سپس «تفسیر» می‌کند. بنابراین با هویت بخشی به دیگری (گل آقا) از طریق گفت و گو، مانع از انفعال وی می‌شود. سرانجام با همراهی گل آقا کنش دو سویه می‌شود. گل آقا خود را از چشم همسرش و در ارتباط با او درک می‌کند. رادی برای نشان دادن این ارتباط از درک مشترکشان که فراق فرزند برای سربازی است بهره می‌گیرد:

«کوچک خانم با نوک چاقو چند ضربه به سینه‌اش زد و عطسه کرد و نجوانکان گفت: یادت می‌آد؟ آخرین دفعه که کاغذ داد، گردن لختی جوجه بود؛ اما حالا...» (رادی، ۱۳۴۹: ۳۹).

کوچک خانم با بیان درک مشترک از معنایی بهره می‌گیرد که در برابر دیگری معنا می‌یابد. این دیگری در بخش آغازین داستان «ارباب لاکانی» است که در صدد استعمار گل آقا است و همسرش با بهره‌گیری از «سرنخ‌هایی» در کنش‌های منفعل او (واگویی‌ها) به دنبال نشان دادن خود واقعی گل آقا است. در نتیجه وی از میان تهدید و تشویق به سوی من واقعی خویش در برابر دیگری شناخته و رهنمون می‌شود؛ زیرا او دریافته است که «دیگری در جایگاهی قرار دارد که بهتر می‌تواند مرا ارزیابی کند و به عکس من نیز توانایی بیشتری برای ارزیابی او دارم» (ن.ک: باختین، ۱۳۷۳: ۱۸۳).

۱۰-۲. حضور من با حضور دیگری

از عناصر اصلی غیرت، ارتباط گیری است. در داستان جاده، نبی برای گریز از ورشکستگی با کشاندن ناز علی به پای «معامله گوساله‌ای که قرار است گاوش بزاید»، در پی ایجاد نوعی ارتباط است. قلمرو پیام در این معامله مخاطب خاصی است که علاوه بر حضور فیزیکی در این معامله نسبت به نبی «تعهد» دارد. نبی با درک مفهوم دیگر بودگی به واسطه وسواس فکری ناز علی به دنبال زمینه‌سازی برای تحقق خواست خود است. بنابراین ناز علی را به شام دعوت می‌کند تا با شناختی که از شخصیت او دارد، به هدفش برسد. در این رفتار نبی، گفت و گویی در نمی‌گیرد؛ بلکه کنش نمادینی صورت می‌گیرد که

وی براساس سال‌ها مراوده با وی به‌عنوان الگوی مستمر انتظار دارد:

[نبی:] «ممکن است معامله سر بگیرد؟ ممکن است گاو ابلق او تلم (گوساله ماده) بزاید؟ خدایا! اصلاً برای همین بود که شب، نازعلی را دعوت گرفته بود. می‌خواست در بزنگاه این معامله، او را نمک گیر کرده باشد. مگر نه این نازعلی آدمی وسواسی است، وسواسی که وقتی فکری به کله‌اش زد، آن‌داغ می‌شود و دور برمی‌دارد» (۱۰).

از آنجا که راوی در این داستان دانای کل است، به‌نظر می‌رسد ذهنیات شخصیت‌ها در اختیار اقتدار روایتگر است و چندصدایی باختینی دچار خدشه می‌گردد؛ اما رادی برای شنیدن صداهای دیگر در مقابل کنش‌های ذهنی یک شخصیت واکنش‌های متقابل عینی دیگری را پدید می‌آورد. مثلاً نازعلی در مواجهه با شخصیت اقتدارگرای نبی به فراگرد عنصر بنیادین «در من» روی می‌آورد. کنش عینی نبی - دعوت به شام و معامله گاو - با کنش نمادین ذهنی نازعلی نشان داده می‌شود:

- نازعلی آهسته فکر می‌کرد: «داره حقّه می‌زنه!». فکر می‌کرد: «یعنی از جون من چی می‌خواد؟ و سخت پکر (غمگین) بود» (۱۷).

کنش متقابل یکی نسبت به دیگری نمادین است:

- «ناگهان قیافه‌اش [نازعلی] چرک شد و بغض شدیدی به‌صورتش نشست. دلش می‌خواست حق‌گریه کند. طوری که صدایش را نبی بشنود» (۱۴).

یکی دیگر از وجوه دیگر بودگی، احساس روان‌شناختی «در دیگری و با دیگری بودن» است. به عبارتی، دیگری «به فرد یا افرادی گفته می‌شود که شخص از نظر احساسی و روان‌شناختی به آن‌ها علاقه‌مند یا وابسته است و از آن‌ها تأثیر می‌پذیرد و بیشتر وقتش را با آن‌ها می‌گذراند» (کوئن، ۱۳۸۲: ۹۴). روستا جای مناسبی است تا این پیوندهای ناب نشان داده شود. کوچک خانم (همسر گل‌آقا) در غروب گرم تابستانی به‌خاطر دل‌تنگی از نبودن و ندیدن پسرش و خوابی که دیشب دیده است - با وجود دل‌مشغولی گل‌آقا بابت خشکی شالیزار و نباریدن باران - به یاد پسرش رمضان با گل‌آقا صحبت می‌کند.

- «دیشب خواب دیدم رمضان برگشته؛ اما یه عصا دستشه... نمی‌دونم اون جا چه خبره» (۳۹).

گل‌آقا و کوچک خانم مدّتی است که رمضان را ندیده‌اند. بار آخری که نامه داد، پاییز همان سال

بود که رفته بود. راوی داستان تلاش می‌کند تا با طرح خاطرات کوچک خانم و ایجاد سرخ‌هایی، همسرش را به کنش وادار نماید. قلمرو پیام در این خاطرات ذهن و زبان است. با تحلیل انواع اداها، اطوارها و نمادهای رفتاری و زبانی ارباب لاکانی معلوم می‌شود که در گفتمان اقتدارگرایی وی «دیگری» وجود ندارد:

– ارباب لاکانی گوم. گوم... پله‌ها را پایین رفته و زیر لب غریده است: «بدیش اینه که به گيله مرد جماعت نمیشه رو داد» (۴۳).

رادی در داستان باران یک الگوی مستمر در نظام ارباب- رعیتی را نشان می‌دهد. اربابی که با فشار اقتصادی بر روستائیان موجب در هم شکستن مکانیزم حضور آنان می‌شوند:

– «همین خبیث که کفش به زمین کوبیده و با او شرط و پی کرده بود: «اگر تا دو روز دیگر، حتا اگر تا فردا باران نبارد، جواب ارباب لاکانی را چه خواهد داد؟» (۴۲).

۱۱-۲. تقابل دوگانه

در داستان «جاده» توصیف تقابل دوگانه به‌عنوان کنش نمادین در ارتباط اجتماعی نبی پدیدار می‌شود. تقابل دوگانه معامله گاو نبی است (عنصر تقابلی توصیف)، نویسنده با بهره‌گیری از سنتی اجتماعی (نان و نمک خوردن) شخصیتی را در معرض کنشی متقابل قرار می‌دهد تا از «لوطی بودن» و «ملاحظه نمک خوارگی» دیگری (نازعلی) استفاده کند و او را تحت فشار عاطفی قرار دهد و ارزش‌های والای انسانی نازعلی را به سخره بگیرد.

نبی قصد دارد عقیده فروخورده نازعلی را به‌عنوان عنصر فهم انحصاری براساس شایعه باردار شدن گاو مسلولش توسط ورزای خالدار نازعلی احیا کند. از این رو با تقابل گفتمانی شوخی و جدی (نقیضه‌سازی) در قهوه‌خانه و «سرباغ» همه‌جا شایعه‌پراکنی کرده است که «گوساله مال ورزای خالدار نازعلی است».

– نبی: «چی می‌گی عمو؟ خودم دیدم پشت گُتام (اتاقکی در کشت‌زار، ساخته‌شده از شاخه درختان و حصیر) با هم عشق بازی می‌کردن! بین خودمون بمونه! خالدار تو شکم گاو منو بالا آورده است» (۱۸).

در داستان باران، وجه متمایزی از تقابل دوگانه نشان داده می‌شود. رادی، گل‌آقا و کوچک خانم را در مواجهه با شناخت و بینش عمیق رویدادهای بیرونی و برساخته قرار می‌دهد. این رویدادها، نظام‌هایی

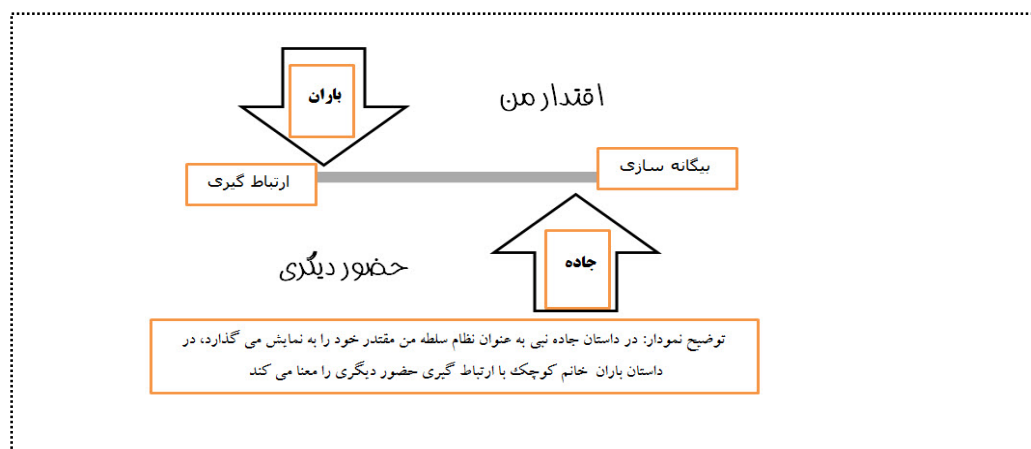
سلطه‌جو هستند که برای تسلط خویش به تقابل دوگانه متوسل می‌شوند. نخستین واکنش در برابر چنین تقابلی - در عنصر توصیف و تقابل میان فرد و دیگری - از سوی کوچک‌خانم پدیدار می‌شود. او با رفتار خود گل‌آقا را از وضعیّت آشفته و نابسامان روحی خود که موجب انفعال وی شده، آگاه می‌کند. تقابل دوگانه در داستان «باران» در شروط اقتدارگرایانه‌ای است که ارباب لاکانی گذاشته است، این شروط هنجارهای میان دوطبقه (فرو دست و فرادست) را در جامعه بیان می‌کند.

- ارباب لاکانی: با او شرط و پی کرده بود: «من اینا سرم نمیشه. اول پاییز، چهل قوطی برنج مولایی بار اسب می‌کنی، می‌آری دم حجره» (۴۲).

کوچک‌خانم قصد دارد تا (عنصر فهم انحصاری) را با کنش نمادین به گل‌آقا نشان دهد (عنصر توصیف و تقابل میان فرد و جامعه).

- کوچک‌خانم رگ انگشتانش را در کرد و گفت: «خروس گردن لختی رو دیدی؟» - «نه! نمی‌دونم چرا اینجوریه؟» - «چه جوریه؟ همش کز می‌کنه!» گل‌آقا حرکتی از روی بی‌اعتنایی کرد: «یه خروس!» (۳۸).

- کوچک‌خانم، سفره حصری را تازه پهن کرده بود، پهلویش نشسته بود و دستش را زیر چانه‌اش زده بود. وقتی گل‌آقا را دید، گفت: «آمدی؟» گل‌آقا چیزی نگفت. می‌خواست چیزی بگوید. اما حرف میان لبانش خوابیده بود (۳۶).



۱۲-۲. چند آوایی

باختن رفتار و سخنان شخصیت‌های داستان را «یک نظام واحد از ملودی محسوب می‌کند که با

صدای دیگر شخصیت‌ها و صدای راوی ترکیب شده و مایه اصلی را که همان چندآوایی هارمونیک است، می‌سازد» (مقدادی، ۱۳۸۲: ۲۰). در داستان جاده از نظر نویسنده هریک از شخصیت‌ها برای خود صدایی مستقل دارد. وی در توصیف نبی می‌نویسد:

« نبی میانه بالا، قوی و چالاک بود. چشمان موذی کاس و سیل وز کرده کهربایی چالاک داشت» (۱۴).

با این توصیف خواننده کنش‌های هوشمندانه نبی را می‌پذیرد:

« نبی از جلد بی‌اعتنایی بیرون آمد و با لحن گله‌مندانه‌ای گفت: « قرارمون اولش یه چیز دیگه بود» (۱۴).

« نازعلی در برابر محرک‌های خارجی، شخصیت با ثباتی ندارد، بنابراین استعداد متمایز وی (مثبت یا منفی) در داستان نمود نمی‌یابد:

« ناگهان قیافه‌اش چرک شد و بغض شدیدی به صورتش نشست. دلش می‌خواست هق‌هق گریه کند. طوری که صدایش را نبی بشنود. نازعلی با بدگمانی دست‌هایش را آورد دم دهانش و ها کرد. گفت: « پنجه‌هام داره می‌افته» (۱۶).

نازعلی نمونه‌ای از خود و طبقه اجتماعی است که کنش‌های وی در زندگی روزمره‌اش برای خواننده داستان تفسیر می‌شود. در این داستان نوبر (همسر نبی) نیز صدای خود را دارد. رادی تلاش دارد تا با خودبودگی شخصیت‌ها و حتی تیپ‌های داستان روابط گفت‌وگویی و چندصدایی را نشان دهد.

« نوبر (همسر نبی): «نوبر گوشه کومه نشسته بود. چهار میل و یک جوراب ناتمام توی دستش بود. همچنان که دست‌هایش به سرعت می‌جنبید، یک گلوله پشمی جلوش روی زمین قل می‌خورد و به این سو و آن سو می‌رفت. هیکل کوفت رفته نازعلی را دید، با لبخند ملایمی گفت: «عجب کردین» (۲۹)

وضعیت شخصیت‌های داستان مخصوصاً شخصیت‌های دوتایی در آن (گل آقا - ارباب لاکانی) نه تنها همانند شخصیت‌های رمان داستایوفسکی حالت دوگانه و تضاد دارند؛ بلکه این دوگانگی در تک‌تک شخصیت‌ها به صورت یک پدیده روانی به اثر، فضای دراماتیک می‌بخشد. تمام صداها در داستان نقش دارند و باورها یا نقطه‌دید به روی دنیا را ارائه می‌دهند. تنوع چندصدایی در داستان منجر می‌شود مفهوم دیگری در دیدگاه صدایی که پیامی دارد، تجلی یابد. صداها متعدد و آواهای مختلف

از اشخاص مختلف در داستان بر یکدیگر برتری دارد؛ زیرا طبقه فرادست خودش را برتر از طبقه فرودست (طبقه کارگر) می‌بیند و در نتیجه گفت‌وگو بین این دوطبقه منجر به گفت‌وگو غیرت ساز می‌شود:

- کوچک خانم با صدای ملولی گفت: « دیشب خواب دیدم رمضان برگشته؛ اما یه عصا دسته‌شده... نمی‌دونم اون جا چه خبره» (۳۹).

- گل‌آقا در حالی که با بادبزن دوره شله خودش را باد می‌زد، گفت: « امروز رفت‌م آستانه. توی حرم دخیل بستم و دعا کردم» (همان).

در برابر صدای همدلانه زن و شوهر صدای درگیرانه ارباب لاکانی نیز غالب است:
- ارباب لاکانی: « با او شرط و پی کرده بود:» من اینا سرم نمیشه. اول پاییز چهل قوطی برنج مولایی بار اسب می‌کنی، می‌آری دم حجره» (۴۲).

البته گل‌آقا در ابتدای داستان با گفت‌وگوی درونی، طی فراگرد عنصر بنیادین «در من» به منزله بخشی از خود در برابر کنش طبقه فرادست- ارباب لاکانی و گدا علی- واکنش نشان می‌دهد:
- « او با چه ایمانی برای کوچک خان بیل کشیده بود و تاوان می‌خواست... و حالا؟» (۴۲).
در برابر بروز «در من» شخصیت گل‌آقا، من فاعلی پدید می‌آید که بخشی از «خود» است که گل‌آقا به‌عنوان کنشگر از آن آگاهی ندارد و بعد از وقوع عمل از آن باخبر می‌شود.
- گل‌آقا: «اگر تا دو روز دیگر، حتا اگر تا فردا باران نبارد، جواب ارباب لاکانی را چه خواهد داد؟» (۴۲).

بر مبنای کنش متقابل نمادین وی قصد دارد نزد ارباب لاکانی بد قول نشود؛ ولی اتفاقات و رخدادها برضد گل‌آقا است:

- «یک‌دم به نظرش رسید شالیزار خشک و داغمه بسته، مثل حیوان بزرگ خسته‌ای له‌له می‌زند و زیر لهیب تیز آفتاب، آهسته می‌سوزد و دود رقیقی بالایش زبانه می‌کشد. چه فایده؟ زمین پیش چشمانش ترک‌خورده است و تشنه یک نم آب است» (۴۱).

پدیده خشک‌شدن شالیزار از نظر باختین امر معمولی^۱ است. این پدیده می‌توانست یک رویداد درونی باشد؛ اما هرچه که باشد عاملی برای کنش گل‌آقا است. جدال بین «من» و «در من» وی باعث

جدال در انتخاب اجتماعی‌اش می‌شود. اینکه از عهده شرط ارباب لا‌کانی برمی‌آید یا نه؟ آیا می‌تواند با گداغلی که سردرختی‌های او را پیش‌خرید کرده، تا کند یا نه؟ «من، حس آزادی و ابتکار به انسان می‌بخشد و هرگز یکسره قابل محاسبه نیست» (Blumer, 1969: 311).

- «این موجود بی‌صفت که سردرختی‌های او را پیش‌خرید کرده است، با او چه جوری تا می‌کند؟» (۴۳).

۳. نتیجه

بررسی دو داستان از مجموعه داستان‌های «جاده» نوشته اکبر رادی نشان داد که ادبیات داستانی در سال‌های پایانی دهه سی تحت‌تأثیر کنش‌های اجتماعی به انعکاس تضادهای طبقاتی پرداخته است. نویسنده با بازنویسی زندگی اقشار روستایی و شهری در دوره اصلاحات ارضی درواقع با نظام ظالمانه ارباب - رعیتی و تبعات آن می‌ستیزد. در این کنش‌ها فضا و گفت‌وگو در داستان، فضا و گفت‌وگویی توأم با سوژه مسلط و حاکم بر جامعه است. از این رو یأس و سرخوردگی در مقابل نیرنگ و جاه‌طلبی نمود دارد. او برای نشان‌دادن آسیب‌های اجتماعی پدید آمده از جریان اصلاحات ارضی با پرهیز از شعار و یا طرح مباحث نظری کسل‌کننده به تقابل روابط انسانی در زندگی آدم‌های داستان خویش روی می‌آورد. قشرهای اجتماعی پیرامون او به دو طبقه فرادست و فرودست تقسیم می‌شوند. طبقه فرادست (شهری) به جهت سلطه و اقتدار درصدد غلبه گفتمانی است؛ اما شخصیت‌های فرودست با تمام کاستی‌ها و تنگدستی‌ها با درک شرایط اجتماع، ضمن تأکید بر دگر مفهومی، نفی اقتدار، مکالمه‌گرایی را بر وجه اجتماعی داستان رواج می‌دهند.

از نظر نویسنده، گفت‌وگومندی مبتنی بر شرایط اجتماعی و بیرونی حاکم بر جامعه است که منجر به «گفتمان غیریت‌ساز» می‌گردد. از این رو شخصیت‌های مجموعه داستان جاده، صدای خویش هستند. چندصدایی میان شخصیت‌های مختلف داستان، هویت بیرونی ندارد؛ بلکه برساخت تصویری است که در آینده محقق خواهد شد. به عبارتی رادی در این اثر سعی می‌کند میان شهر و روستا آشتی برقرار کند و از این رو آشتی طبقاتی را با نفی سلطه و پذیرش دیگری تبلیغ می‌نماید.

کتابنامه

احمدی، بابک (۱۳۷۸)، *ساختار و تأویل متن*، چاپ چهارم، تهران: مرکز.

اسدی هما، فرهاد ساسانی (۱۳۹۶)، «غیریت‌سازی در گفتمان سیاست خارجی محمدرضا پهلوی»، *فصلنامه زبان*

پژوهی، دوره ۹، (۲۲)، صص ۷-۲۴.

امیری، نادر (۱۳۸۸)، «چشم‌اندازی به رمان تاریخ‌گرایی فارسی»، جامعه‌شناسی هنر و ادبیات، سال اول، صص ۴۹-۵۹.

باختین، میخائیل (۱۳۷۳)، *سودای مکالمه، خنده و آزادی*، ترجمه، مقدمه و گردآوری محمد پوینده، تهران: شرکت فرهنگی هنری آراست.

بالو، فرزاد و سیده مائده واقعه دشتی (۱۳۹۶)، «نمودهای مفهوم «دیگری» در اشعار فروغ فرخ‌زاد»، فصلنامه ادبیات پارسی معاصر، سال هفتم، پاییز و زمستان ۱۳۹۶، (۳/۲۳)، صص ۱۲۵-۱۴۹.

بالو، فرزاد (۱۳۹۶) «دیگری در اندیشه و آثار ناصر خسرو»، فصلنامه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خوارزمی، سال ۲۵، (۸۲)، صص ۷-۲۷.

پژوهنده، لیلا (۱۳۸۴)، «فلسفه و شرایط گفت‌وگو از چشم‌انداز مولوی با نگاهی تطبیقی به آراء باختین و بوبر»، مقالات و بررسی‌ها. دفتر (۲/۷۷)، فلسفه، صص ۱۱-۳۴.

تنهایی، حسین ابوالحسن (۱۳۸۸)، *هربرت بلومر و کنش متقابل نمادی*، تهران: بهمن برنا.

تودورف، تزوتان (۱۳۷۷)، *منطق گفت‌وگویی میخائیل باختین*، ترجمه داریوش کریمی، تهران: مرکز.

توسلی، غلامعباس (۱۳۷۰)، *نظریه‌های جامعه‌شناسی*، تهران: سمت.

خدادوست، ابراهیم (۱۳۸۰)، «داستان بومی در اقلیم سبز شمال»، *ماهنامه ادبیات داستانی*، (۵۸)، صص ۳۸-۴۱.

رادی، اکبر (۱۳۴۹)، *مجموعه هفت قصه (جاده)*، تهران: مروارید.

رضایی‌راد، محمد (۱۳۸۲)، «اریخت‌شناسی شخصیت در آثار اکبر رادی»، *شناخت‌نامه اکبر رادی*، به کوشش فرامرز طالبی، تهران: قطره.

رنجبر، محمود (۱۳۹۵)، «خوانش باختینی حیات‌خلوت»، *نشر ادبیات پایدار*، سال هشتم، (۱۵)، پاییز و زمستان، صص ۲۰۵-۲۲۹.

رهبری، مهدی (۱۳۷۹)، *اقتصاد و انقلاب اسلامی*، چاپ اول، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

ریتز، جورج (۱۳۷۹)، *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علمی.

سلیمانی، رضا (۱۳۹۴)، «استراتژی‌های غیریت ساز با آمریکا در گفتمان‌های سیاست خارجی ایران بعد از

انقلاب اسلامی»، فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی، دوره ۴، (۱۴)، صص ۲۳ - ۵۰.

شمیسا، سیروس (۱۳۸۸)، نقد ادبی، چاپ سوم، تهران: میترا.

صدیقی، علی (۱۳۸۰)، «مروری بر ادبیات اقلیمی گیلان» (سال‌های چهل و موج ادبیات اقلیمی)، ماهنامه ادبیات داستانی، (۲)، شهریور و مهر (۵۶).

طالبی، فرامرز (۱۳۸۲)، شناخت‌نامه اکبر رادی، تهران: قطره.

غلامحسین زاده، غریب رضا؛ غلام پور، نگار (۱۳۸۷)، میخاییل باختین، تهران: روزگار.

غنی‌پور و همکاران (۱۳۹۴)، «دگردیسی منطق گفت‌وگویی در اشعار قیصر امین‌پور (از آرمان‌گرایی تا درون‌گرایی)»، متن پژوهی ادبی، سال ۱۹، (۶۴)، تابستان، صص ۱۶۵-۱۸۸.

کوئن، بروس (۱۳۸۲)، درآمدی بر جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران.

کلیگز، مری (۱۳۹۰)، میخاییل باختین و نظریه رمان، ترجمه وحید ولی‌زاده، به نقل از:

www.hccmr.com/news-411.aspx

گاردینر، مایکل (۱۳۸۱)، «تخیل معمولی باختین»، ترجمه یوسف اباذری، مجله ارغنون، (۲۰)، صص ۷۹-۹۳.

مختاباد، سید مصطفی؛ قلیش‌لی، آتوسا (۱۳۹۰)، «کاوشی در سرچشمه‌های درام روستایی ایران (تأثیرپذیری اکبر رادی از نمایشنامه دایی وانای چخوف)»، پژوهشنامه علمی-پژوهشی نقد ادبی، سال ۴، (۱۶)، صص ۳۷-۵۴.

مقدادی، بهرام (۱۳۸۲)، «جویش و منطق مکالمه رویکردی باختینی به اولیس جیمس جویس»، پژوهشنامه زبان‌های خارجی، دانشگاه تهران، (۱۵)، صص ۱۹-۳۰.

مکاریک، ایرناریما (۱۳۹۰)، دانشنامه نظریه‌های ادبی معاصر، ترجمه مهران مهاجر و محمد نبوی، تهران: انتشارات آگه.

مناهجی، حسام (۱۳۹۸)، باختین و نظریه گفت‌وگو، به نقل از: www.anthropology.ir/article/25585

نامور مطلق، بهمن (۱۳۸۷)، «باختین، گفت‌وگومندی و چندصدایی»، مطالعه پیشانیامتنی باختینی، پژوهشنامه علوم انسانی، (۵۷)، صص ۳۹۷-۴۱۴.

نامور مطلق، بهمن (۱۳۹۳)، «چند صدایی از منظر باختین» www.farhangemrooz.com/news/24926

- نجف‌زاده، مهدی؛ جزائی، محدثه (۱۳۹۳)، «بازتاب تک صدایی و خودگومندی جامعه ایرانی در رمان بوف کور»، جامعه‌شناسی هنر و ادبیات، دوره ششم، (۲)، پاییز و زمستان، صص ۲۸۷-۳۰۷.
- نولز، رونلد (۱۳۹۱)، شکسپیر و کارناوال پس از باختین، تهران: هرمس.
- هادوی، محدثه؛ تسلیمی، علی (۱۳۹۱)، «تحلیل داستان‌های حاجی آقای صادق هدایت براساس نظریه بازتاب واقعیت»، جامعه‌شناسی هنر و ادبیات، سال چهارم، (۱)، صص ۵۳-۷۴.

References

- Ahmadi, Babak (1378). *Structure and Interpretation of the Text*. fourth edition. Tehran: Markaz.
- Amiri, Nader (2009). "Perspectives on Persian Historian Novel". *Sociology of Art and Literature*. First year. 49-59.
- Asadi Homa, Farhad Sasani (2017) "Other Making in the Foreign Policy Discourse of Mohammad Reza Pahlavi", *Linguistics Quarterly*, Volume 9, Number 22, Pages 7, Pages 24
- Bakhtin, Mikhail (1373). *The Benefits of Conversation, Laughter and Freedom*. Translated, introduced and compiled by Mohammad Pooyandeh. Tehran: Arest Cultural and Artistic Company.
- Baloo, Farzad (2017) Other in the Thought and Works of Nasser Khosrow, Kharazmi University Persian Language and Literature Quarterly, Volume 25, Number 82, from pp. 7 to p. 27
- Baloo, Farzadosideh Maedeh Vagheh Dashti (2017) "Manifestations of the Concept of "other" in Forough Farrokhzad's poems", *Quarterly Journal of Contemporary Persian Literature*, Year 7, Fall-Winter 2017, No. 3 (23 consecutive), pp. 125, pp. 149
- Blumer, Herbert (1969). *symbolic interactionism: Perspervtive and method*. university of California press.
- Cohen, Bruce (1382). *An Introduction to Sociology*, translated by Mohsen Thalasi, Tehran.
- Dentith, s.(1995). *BakhtinianThought:an introductory* London and New York: routledge.

- Gardiner, Michael (2002). "Lost Ordinary Imagination". Translated by Yousef Abazari. *Organon Magazine*. Number twenty. Pp. 79-93.
- Ghanipour et al. (2015). "Transformation of the logic of dialogue in the poems of Qeisar Aminpour" (from idealism to introversion). *Literary Textual Research*. Year 19. Issue 64. Summer.
- Gholam Hosseinzadeh, Gharib Reza and Negar Gholampour (1387). *Mikhail Bakhtin*. Tehran: Roozgar.
- Hadavi, Mohadeseh and Ali Taslimi (2012). "Analysis of Mr. Sadegh Hedayat's Haji stories based on the theory of reflection of reality". *Sociology of Art and Literature*. forth year. No. 1, pp. 53-74.
- Khodadoost, Ibrahim (2001). "Indigenous story in the green climate". *Fictional Literature Monthly*. No. 58. pp. 38-41.
- Kliges, Mary (1390). Mikhail Bakhtin and the theory of the novel. Translated by Vahid Valizadeh. Quoted from: www.hccmr.com/news-411.aspx
- Knowles, Ronald (1391). *Shakespeare and the Carnival after Bakhtin*. Tehran: Hermes.
- Makarik, Inarima (1390). *Encyclopedia of Contemporary Literary Theories*. Translated by Mehran Mohajer and Mohammad Nabavi. Tehran: Agah Publications.
- Manaheji, Hesam (1398). Bakhtin and the Theory of Dialogue. Quoted from: www.anthropology.ir/article/25585 Namvar Motlagh, Bahman (2008). *Journal of Humanities*. No. 57. pp. 397-414.
- Meqdadi, Bahram (2003). "Joyce and Conversational Logic, a Bakhtin Approach to Ulysses James Joyce". *Journal of Foreign Languages*. University of Tehran. No. 15. pp. 19-30.
- Mokhtabad, Seyed Mostafa and Atosa Qelish Lee (2011). "Exploring the Sources of Rural Drama in Iran" (influenced by Akbar Radi from the play by Uncle Vanya Chekhov). *Journal of Literary Criticism*. Year 4. No. 16. pp. 37-54.
- Najafzadeh, Mehdi and Mohaddeseh Jazaei (1393). "Reflection of the monotony and self-righteousness of Iranian society in the novel The Blind Owl". *Sociology of Art and Literature*. Sixth period. Second Issue. autumn and winter. ۳۰۷-۲۸۷.
- Namvar Motlagh, Bahman (2014). "Some Voices from Bakhtin's Perspective" www.farhangemrooz.com/news/24926

- Pazhoohandeh, Leila (2005). "Philosophy and conditions of dialogue from Rumi's perspective with a comparative view of Bakhtin and Buber's views". *Articles and Reviews. Office* (77/2). Philosophy.p.11-34.
- Radi, Akbar (1349). *A Collection of Seven Stories* (road). Tehran: Morvarid.
- Rahbari, Mehdi (1379). *Economics and the Islamic Revolution*, First Edition, Tehran: Islamic Revolution Documentation Center.
- Ranjbar, Mahmoud (2016). "Bakhtini Reading of the Backyard", *Sustainability Literature Publishing*, Year 8, Issue 15, Fall and Winter, pp. 205-229.
- Rezaeirad, Mohammad (2003). "Personality morphology in the works of Akbar Radi". Recognition letter of Akbar Radi. Thanks to Faramarz Talebi. Tehran: Qatre.
- Ritters, George (1379). *Sociological Theory in Contemporary Times*. Translated by Mohsen Thalasi. Tehran: Scientific.
- Shamisa, Sirus (1388). *Literary Criticism*. Third edition. Tehran: Mitra.
- Siddiqui, Ali (1380). "A Review of Gilan Climatic Literature" (Forties and Waves of Climatic Literature). *Monthly Fiction Literature Monthly*. Second Issue. September and October. Issue 56.
- Soleimani, Reza (2015) "US-Compatible other Strategies in the Discourse of Iran's Foreign Policy after the Islamic Revolution", *Quarterly Journal of Islamic Revolution Research*, Volume 4, Number 14, pp. 23-50.
- Talebi, Faramarz (1382). *Identity of Akbar Radi*. Tehran: Qatreh.
- Tanhaei, Hussein Abolhassan (1388). *Herbert Blumer and Symbolic Interaction*, Tehran: Bahman Borna.
- Tavassoli, Gholamabbas (1991). *Sociological Theories*, Tehran: Samat.
- Todorff, Tzutan (1998). *Mikhail Bakhtin's Dialogue*. Translated by Dariush Karimi. Tehran: Markaz.